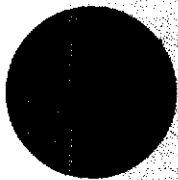


# شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح



محمد رضا یزدانیان  
(مدیر کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح)

به محض قطعی شدن محکومیت‌های مزبور به عنوان "عضو پیمانی" نیروهای مسلح پایان داده می‌شود؛ لیکن از لحاظ خدمت و وظیفه عمومی باید برابر قانون خدمت و وظیفه عمومی با آنان رفتار شود. در تبصره "۱" ماده (۳۳) قانون آجا و تبصره "۱" ماده (۲۱) قانون سپاه و تبصره "۲" ماده (۲۱) قانون مقررات استخدامی ناجا آمده است: "خدمت پرسنل پیمانی به منزله انجام خدمت دوره ضرورت تلقی می‌گردد و در صورتی که قبل از خاتمه تعهد به هر علت از خدمت مستعفی یا برکنار گردند برابر قانون خدمت و وظیفه عمومی با آنان رفتار خواهد شد."

البته به منظور هماهنگی با مقررات استخدامی نیروهای مسلح، بهتر بود به جای قسمت اخیر ماده (۱۴) از عبارت "برابر قانون خدمت و وظیفه عمومی با آنان رفتار خواهد شد" استفاده می‌شد.

**ماده (۱۵):** دادگاه‌های نظامی می‌توانند در جرایم تعزیری و بازدارنده علاوه بر تعیین مجازات، به عنوان ترمیم حکم، متهم را به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم نمایند:

**الف)** در مورد کارکنان پایور: ۱. منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه تا دو سال؛ ۲. محرومیت از ترفیع

**ماده ۱۴:** افسران و درجه‌داران و وظیفه و کارکنان پیمانی که خدمت و وظیفه خود را به اتمام نرسانده‌اند. چنانچه به علت ارتکاب جرایم عمدی به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده (۱۲) این قانون محکوم شوند. بقیه خدمت و وظیفه خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت و وظیفه انجام خواهند داد.

## شرح ماده:

در مورد کارکنان پیمانی شاید این سؤال مطرح شود که بین مقررات تبصره "۲" ماده (۱۲) و مقررات ماده (۱۴) تعارض وجود دارد. بدین نحو که در تبصره مرقوم آمده است که به خدمت اعضای پیمانی یا قراردادی نیروهای مسلح به محض قطعی شدن محکومیت‌های فوق پایان داده خواهد شد. ولی ماده (۱۴) تصریح نموده که این افراد بقیه خدمت و وظیفه خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت و وظیفه انجام خواهند داد.

به نظر می‌رسد تعارضی بین مقررات تبصره "۲" ماده (۱۲) و ماده (۱۴) وجود نداشته‌باشد؛ زیرا وفق مقررات تبصره "۲" به خدمت این افراد

از سه ماه تا یک سال.

ب) در مورد کارکنان وظیفه: ۱. اضافه خدمت حداکثر به مدت سه ماه؛ ۲. تنزیل یک درجه افسران و درجه داران وظیفه؛ ۳. منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت سه ماه و حداکثر تا پایان مدت خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از سه ماه باشد، دادگاه می تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

تبصره: در هر مورد که دادگاه از مجازاتهای فوق به عنوان مجازات اصلی استفاده نموده یا مجازات حبس را به یکی از موارد فوق تبدیل کرده باشد، نمی تواند همان مجازات را به عنوان مجازات تميمی مورد حکم قرار دهد.

شرح ماده:

۱. هر چند که عبارت "در جرایم تعزیری و بازدارنده" به صورت کلی ذکر شده و ظاهراً حالت تميمی و اطلاق به کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی دارد، لیکن به نظر می رسد با توجه به فلسفه و مبانی نظری و توجیهی وضع و اعمال مجازاتهای تميمی، لزوم تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم و استفاده از روش تفسیر مضیق قوانین جزایی. اعمال مجازاتهای تميمی فقط در مورد جرایم عمدی امکان پذیر باشد. ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی نیز اعمال مجازاتهای تميمی را فقط در مورد جرایم عمدی امکان پذیر دانسته است.

۲. به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۰۴ مورخ ۷۹/۸/۱۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، کیفر مقرر در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی کیفر تکمیلی است و نوع و مدت آن باید در حکم قید گردد؛ اما محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در بندهای سه گانه ماده (۶۲) مکرر قانون موصوفه کیفری تبعی بوده و به تبع حکم محکومیت درباره محکوم اجرا می گردد و قید آثار محکومیت در حکم ضرورت ندارد. همچنین به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۸۴۸۱ مورخ ۷۳/۲/۱۷، مرجع مزبور تعیین کیفر حبس برای محکوم علیه به عنوان تميم حکم تعزیری یا بازدارنده بر خلاف قانون است.

۳. در ماده (۵) قانون مجازات جرایم ن. م. سال ۷۱، اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین به عنوان مجازات تميمی ذکر شده بود که در قانون جدید، مجازات مزبور حذف و فقط منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین پیش بینی شده که این تغییر و اصلاح با توجه به مشکلات اجرایی و آثار سوء و تبعات منفی اجتماعی تعیین محل اقامت اجباری از لحاظ تحولات تقنینی در جهت مطلوب بوده است.

۴. حکم تبصره ماده (۱۵) نیز روشن است؛ یعنی در مواردی که دادگاه از یکی از مجازاتهای مصرح در ماده مزبور به عنوان مجازات اصلی استفاده نموده و یا مجازات حبس را به استناد مواد (۳) یا (۴) و یا (۵) همین قانون به یکی از مجازاتهای موصوفه تبدیل کرده باشد، مجدداً نمی تواند همان مجازات را به عنوان مجازات تميمی مورد حکم قرار

**کیفر مقرر در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، کیفر تکمیلی است و نوع و مدت آن باید در حکم قید گردد؛ اما محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در بندهای سه گانه ماده (۶۲) مکرر قانون موصوفه، کیفری تبعی بوده و به تبع حکم محکومیت درباره محکوم اجرا می گردد و قید آثار محکومیت در حکم ضرورت ندارد**

دهد و لزوماً باید از یکی دیگر از مجازاتهای مذکور در ماده (۱۵) به عنوان مجازات تميمی استفاده نماید.

ماده (۱۶): حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح یک سال است و محکومان به این مجازات از حقوق بدون کاری مطابق مقررات استخدامی مربوط استفاده خواهند کرد.

شرح ماده:

۱. حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح به صورت تعیین مجازات اصلی و یا تبدیلی بیش از یک سال نخواهد بود.

۲. وضعیت بدون کاری اعضای نیروی مسلح و حقوق و مزایای حالت مزبور در قوانین و مقررات استخدامی نیروهای مسلح پیش بینی شده است.

۳. برابر نظریه مشورتی شماره ۷/۶۷۴ مورخ ۶۸/۲/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، مراد از "انفصال از شغل" ممنوعیت از انجام خدمت در سازمان یا وزارتخانه مربوط می باشد و منظور از "انفصال از خدمات دولتی" ممنوعیت از اشتغال در کلیه سازمانها و مؤسسات دولتی است.

۴. منظور از عبارت "انفصال موقت" مذکور در ماده (۱۶)، همان انفصال از شغل یا ممنوعیت از انجام خدمت یا اشتغال در سازمانهای نظامی به مدت محکومیت می باشد.

### فصل دوم: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

مقدمه:

جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی کشور، به جرایمی اطلاق می شود که ضرر و زیان و نتیجه سوء آنها به طور مستقیم متوجه مصالح عالیه مملکت، استقلال، تمامیت ارضی میهن، منافع عمومی ملت، دفاع ملی کشور، امنیت، آرامش و آسایش عمومی، موقعیت

## برابر نظریه مشورتی شماره ۷/۶۷۴ مورخ ۶۸/۲/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، مراد از "انفصال از شغل" ممنوعیت از انجام خدمت در سازمان یا وزارتخانه مربوط می باشد و منظور از "انفصال از خدمات دولتی" ممنوعیت از اشتغال در کلیه سازمان ها و مؤسسات دولتی است

سیاسی داخلی و خارجی حکومت و مناسبات خارجی مملکت با سایر کشورها گردد.

وجه عمده تمایز این دسته از جرایم با جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اموال و مالکیت، این است که در جرایم علیه اشخاص یا اموال ضرر و زیان ناشی از جرم در درجه اول و به طور مستقیم متوجه حقوق مالی و تمامیت جسمانی و معنوی و مصالح و منافع خصوصی مجنی علیه می شود، و اضرار به جامعه و مصالح عمومی در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ لیکن در جرایم علیه امنیت و مصالح کشور، استقلال و منافع عمومی ملت و مصالح عالی مملکت در درجه اول مورد تعرض و تهدید قرار می گیرد، و ضرر به منافع شخصی افراد در درجه دوم اهمیت جای دارد. به لحاظ اهمیت جرایم علیه امنیت کشور و رعایت مصالح سیاسی و اجتماعی، مقنن در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی، تصریح نموده که هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور و اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران گردد و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد، طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود.

ماده (۱۷):

«هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می شود.»

شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: شامل هر نظامی می شود. منظور از «هر نظامی» کلیه افراد تصریح شده در ماده (۱) همین قانون است که به اختصار «نظامی» خوانده می شوند. افراد مذکور عبارتند از: «کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمانهای وابسته آن ها،

کارکنان ناجا، کارکنان وظیفه نیروهای مسلح، محصلان نیروهای مسلح و کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند.»

۲- عنصر مادی جرم: طراحی برنامه براندازی جمهوری اسلامی ایران یا اقدام بدان از طریق تشکیل یا اداره جمعیت یا شرکت یا معاونت مؤثر در آن، عنصر مادی این جرم را تشکیل می دهد.

۳- قانونگذار به منظور جلوگیری از برداشت های متفاوت از واژه «براندازی» اقدام به تعریف واژه مزبور نموده و منظور از آن را «تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران» دانسته است.

۴- هر چند که در ماده (۱۷) به تعداد افراد لازم جهت تشکیل جمعیت اشاراتی نشده است اما با استفاده از ملاک ماده (۱۹) همین قانون و ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی و برداشت عرف از جمعیت افراد تشکیل دهنده جمعیت حداقل باید سه نفر باشند.

۵- تشکیل جمعیت ناظر بر موردی است که قبلاً سابقه وجودی نداشته اما اداره آن رهبری و هدایت جمعیتی است که قبلاً تشکیل شده است.

۶- کلمه «جمعیت» در این ماده موضوعیت ندارد. بنابراین، هر تشکیلی تحت هر عنوانی مانند دسته، گروه، حزب، سازمان، انجمن و... که حداقل از سه نفر تشکیل شده باشد، در صورت دارا بودن سایر شرایط مشمول موضوع ماده خواهد بود.

۷- قطع نظر از اینکه عضویت کارکنان نیروهای مسلح در سازمان ها، احزاب و جمعیت های سیاسی ممنوع بوده و جرم تلقی می شود، جمعیت مذکور در ماده اعم است از جمعیت های قانونی و غیرقانونی.

۸- ماده (۱) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و... مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، جمعیت قانونی را چنین تعریف می کند: «حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.»

۹- نوع فعالیت جمعیت مانند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، نظامی و... مؤثر در مقام نیست. آنچه ملاک تحقق جرم است، طراحی برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران یا اقدام بدان است که توسط جمعیت صورت گیرد.

۱۰- صرف طراحی برنامه براندازی یا اقدام به آن بدون تشکیل جمعیت یا اداره آن با شرکت یا معاونت مؤثر در جمعیت، از شمول مقررات این ماده خارج است. لیکن لازم نیست تمام مؤسسين یا اداره کنندگان جمعیت مزبور یا افرادی که در چنین جمعیتی شرکت یا

معاونت مؤثر دارند در طراحی برنامه براندازی نقش داشته باشند.

۱۱- اگر یک نفر نظامی اقدام به تشکیل سازمان یا حزب و یا جمعیت سیاسی نماید یا در آن عضویت یابد و تشکل مربوط برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نماید. تحت عناوین مجرمانه متعدد موضوع مواد (۱۷) و (۴۰) همین قانون، قابل تعقیب و مجازات است.

۱۲- منظور از عبارت "شرکت یا معاونت مؤثر در چنین جمعیتی" شرکت یا معاونت مؤثر در جمعیتی است که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی و یا بدان اقدام نماید.

۱۳- قانونگذار، شرکت یا معاونت مؤثر را تعریف ننموده است. پس، تشخیص موضوع به عهده قاضی رسیدگی کننده است که با توجه به نوع و کیفیت اقدامات و فعالیت مرتکب، میزان نقش و مداخله و تأثیر عمل او در تحقق جرم و سایر اوضاع و احوال قضیه مبادرت به اتخاذ تصمیم قضایی می نماید.

۱۴- از لحاظ صلاحیت، جرایم علیه امنیت کشور اگر در خارج از کشور نیز به وقوع بپیوندند و مرتکب در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد، به موجب ماده (۵) قانون مجازات اسلامی، رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه های ایران است.

#### ماده (۱۸):

«هر یک از اشخاص مذکور در ماده (۱۷)، قبل از کشف توطئه و دستگیری، توبه نماید و خود را به مأموران معرفی کند و اطلاعاتش را در اختیار بگذارد، بنحوی که توبه وی در دادگاه محرز شود، حد محاربه از او ساقط شده و چنانچه اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری وی یا دیگران گردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب جرم دیگری شده باشد به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود.»

#### شرح ماده:

۱. موضوع ماده (۱۸) توبه مرتکبین بزه طراحی برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق تشکیل جمعیت یا اداره یا شرکت یا معاونت مؤثر در آن است. توبه یکی از علل سقوط مجازات است. اظهار ندامت و پشیمانی بزهکار از رفتار مجرمانه خود و بازگشت از گناه که حکایت از پی بردن مجرم به قبیح بودن عمل ارتكابی دارد، از موجبات بر خورداری از رأفت و عفو اسلامی می باشد. شارع مقدس اسلام به منظور اصلاح و درمان مجرمین و پیشگیری از ارتكاب بزه، توبه مجرمین را در بسیاری از موارد با احراز شرایط خاص آن از موجبات سقوط حد عنوان فرموده است.

در آیات شریفه قرآن مجید، عفو و بخشش خداوند متعال در صورت توبه مجرمین مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup> اظهار بازگشت

## نوع فعالیت جمعیت مانند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، نظامی و... مؤثر در مقام نیست. آنچه ملاک تحقق جرم است، طراحی برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران یا اقدام بدان است که توسط جمعیت صورت گیرد

واقعی از گناه و جرم و توبه کردن و پوشاندن خطا و گناه در حقوق اسلام و پرهیز از افشای گناه، آثار تضمین سلامت جامعه و معافیت از اجرای کیفر را در پی دارد. در قانون مجازات اسلامی در مواردی توبه از موجبات معافیت از مجازات معرفی شده است.<sup>(۲)</sup>

امروزه مکاتب پیشرفته حقوقی مانند مکتب دفاع اجتماعی که صرف مجازات را مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم نمی دانند، در بحث جرم شناسی، اظهار ندامت و پشیمانی مجرم از رفتار مجرمانه خود را از علل مهم پیشگیری از ارتكاب جرم و روش مناسب اصلاح مجرم و بازگشت به جامعه و زندگی شرافتمندانه قلمداد کرده اند.

۲. منظور از عبارت "هریک از اشخاص مذکور در ماده (۱۷)" افرادی هستند که برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده اند و به این منظور جمعیتی تشکیل داده یا اداره یا در جمعیت مزبور شرکت یا معاونت مؤثر داشته اند.

۳. جهت برخورداری از عذر قانونی مذکور در ماده (۱۷) یا معافیت از کیفر محاربه، اجتماع چهار شرط ذیل ضروری است:

الف) توبه قبل از کشف توطئه و دستگیری؛

ب) معرفی به مأموران ذی صلاح؛

ج) در اختیار قراردادن اطلاعات؛

د) احراز توبه در دادگاه.

۴. اطلاعاتی که شخص در اختیار مأمورین قرار می دهد اگر از لحاظ ارزش اطلاعاتی اهمیتی نداشته باشد یا مأمورین قبلاً همان اطلاعات را از طرق دیگر کسب نموده باشند مشروط بر آن که مرتکب تمام اطلاعات خود را در اختیار مأمورین قرار داده باشد تأثیری در حکم قضیه ندارد. ملاک و ضابطه معافیت از مجازات محاربه این است که شخص هر اطلاعاتی از اهداف، برنامه ها، اقدامات و فعالیت های جمعیت مذکور در ماده (۱۷) دارد، در اختیار مأمورین قرار دهد. بنابراین، قابل استفاده بودن یا نبودن اطلاعات مزبور تأثیری

## امروزه مکاتب پیشرفته حقوقی مانند مکتب دفاع اجتماعی که صرف مجازات را مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم نمی دانند، در بحث جرم شناسی، اظهار ندامت و پشیمانی مجرم از رفتار مجرمانه خود را از علل مهم پیشگیری از ارتکاب جرم و روش مناسب اصلاح مجرم و بازگشت به جامعه و زندگی شرافتمندانه قلمداد کرده اند

در موضوع ندارد. البته اگر فرد قسمتی از اطلاعات خود را عالمأ و عامأ مکتوم نگه دارد نمی تواند از معافیت قانونی استفاده نماید، لیکن اگر بدون قصد و سوءنیت و در اثر فراموشی بخشی از اطلاعات خود را در اختیار مأمورین قرار نهد، به نظر می رسد با توجه به فلسفه وضع مقررات ماده بتواند از معافیت مجازات محاربه استفاده نماید.

۵- توبه مرتکب از معاذیر قانونی معافیت از مجازات است. پس، توبه مرتکب به معنای معافیت از تعقیب کیفری و تحقیقات مقدماتی نمی باشد. عبارت "به نحوی که توبه وی در دادگاه محرز شود" مؤید این نظر است.

بنابراین، ضمن اینکه احراز توبه مرتکب توسط مأمورین کشف جرم و یا قضات دادسرا موجب معافیت از تعقیب و مجازات نمی شود، پرونده پس از طی مراحل قانونی تعقیب و تحقیقات مقدماتی به دادگاه ارسال می شود و اگر در مرحله دادرسی، در دادگاه، توبه مرتکب محرز شد با تحقق سایر شرایط، حد محاربه ساقط می گردد.

۶- در ماده (۱۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ آمده بود: «هر یک از اشخاص مذکور در مواد (۸) و (۹)، قبل از کشف توطئه و دستگیری توبه نماید و خود را به مأموران معرفی کند و اطلاعات خود را در اختیار بگذارد، به نحوی که توبه وی نزد قاضی محرز شود، حد محاربه از او ساقط می گردد.»

ابهامی که در این ماده وجود داشت این بود که آیا سقوط حد محاربه به این معنا می باشد که مرتکب به طور کلی از مجازات معاف می شود یا اینکه فقط حد محاربه ساقط و امکان اعمال مجازات تعزیری وجود دارد؟ در قانون جدید این ابهام رفع گردید و مقنن بلافاصله بعد از ذکر عبارت "حد محاربه از او ساقط شده" تصریح نموده: «و چنان چه اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری وی یا دیگران گردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم

خواهد شد و در صورتی که مرتکب جرم دیگری شده باشد، به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود.»  
ماده (۱۹):

«هر نظامی که به منظور بر هم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به دو تا پنج سال حبس محکوم می گردند.»  
شرح ماده:

۱- مرتکب جرم "هر نظامی" می باشد که شرح آن در مواد قبل از نظر گذشت.

۲- عنصر مادی جرم از دو قسمت "تشکیل یا اداره جمعیت" و "عضویت در آن" تشکیل شده است.

۳- موضوع جرم از لحاظ تشکیل جمعیت یا اداره آن از جرایم مقید است و منوط به تحقق نتیجه، یعنی تشکیل یا اداره جمعیت می باشد؛ لیکن از نظر بر هم زدن امنیت کشور، از جرایم مطلق محسوب می شود؛ یعنی بر هم زدن امنیت کشور توسط اعضای جمعیت مزبور شرط نمی باشد.

۴- قانونگذار در این ماده، برهم زدن امنیت کشور را منحصر به سه مورد ایجاد رعب، آشوب و قتل دانسته است. بدون تردید بر هم زدن امنیت کشور مفهومی عام و کلی و فراتر از موارد مذکور در ماده می باشد. اما نظر به این که مقنن از کلماتی مانند: از قبیل، مانند... استفاده نکرده است، پس موارد مذکور در پرانتز، حصری بوده و نمی توان از آن برداشت تمثیلی نمود؛ زیرا تفسیر قضایی با برداشت تمثیلی از سه مورد موصوف با تفسیر اصولی قوانین کیفری و نتایج اصل برائت یعنی لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر قانون جزا به نفع متهم مغایرت دارد. پس، به نظر می رسد منظور از برهم زدن امنیت کشور در این ماده، ایجاد رعب، آشوب و قتل باشد.

۵- عبارت "امنیت کشور" مطلق بوده و با توجه به عنوان فصل دوم اعم است از امنیت داخلی و خارجی.

۶- اگر جمعیتی قبلاً با اهداف قانونی و مشروع تشکیل شده باشد، اما بعداً برنامه و هدف خود را بر هم زدن امنیت کشور قرار دهد و به این منظور فعالیت نماید، به نظر می رسد مشمول مقررات این ماده نگردد؛ زیرا جهت تطبیق عمل مجرمانه با مقررات ماده (۱۹) هنگام تشکیل جمعیت باید منظور بر هم زدن امنیت کشور وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، در حقوق جزای ایران جهت تحقق بزه، تقارن زمانی عناصر مادی و معنوی جرم شرط است.

۷- کلمه جمعیت در این ماده موضوعیت ندارد و شامل هر تشکیلی با هر عنوانی از قبیل سازمان، گروه، دسته، انجمن، حزب و... که حداقل از سه نفر

تشکیل شده و منظور آن بره‌زدن امنیت کشور باشد می‌شود.

۸- ملاک تطبیق موضوع با مقررات ماده منظور و هدف واقعی مرتکب از تشکیل یا اداره جمعیت است. پس، اگر فردی وفق مقررات جمعیتی تحت پوشش قانونی با مرامنامه و اساسنامه و اهداف و برنامه‌های ظاهراً معین تشکیل دهد، ولی هدف واقعی او از تشکیل جمعیت یا اداره آن بره‌زدن امنیت کشور باشد مسمول مقررات این ماده می‌گردد.

۹- در خصوص اعضای جمعیت لازم نیست عضویت رسمی و یا ثبت شده باشد، بلکه کافی است که ارتباط وی با جمعیت به نحوی باشد که عضو جمعیت تلقی شود. در ضمن، آگاهی اعضا نسبت به اهداف جمعیت شرط تحقق بزه است. هواداری یا طرفداری با عضویت تفاوت داشته و شامل مقررات ماده نمی‌گردد.

۱۰- دریافت حقوق یا دستمزد تأثیری در تحقق جرم ندارد. عضویت ممکن است افتخاری باشد یا حتی عضو به جمعیت کمک مالی نیز بنماید.

۱۱- اعضای که نقش مدیریتی دارند مشمول مجازات صدر ماده می‌گردند.

۱۲ عنصر معنوی جرم از دو جزء تشکیل شده است:

الف) سوء نیت عام ( قصد تشکیل یا اداره جمعیت یا عضویت در آن)

ب) سوء نیت یا قصد خاص ( قصد بر هم زدن امنیت کشور به

مفهوم ایجاد رعب، آشوب و قتل)

ماده (۲۰):

«هر نظامی که به نحوی از انحا برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید، به مجازات محارب محکوم می‌شود.»

شرح ماده:

۱- عنصر مادی جرم: اقدام جهت جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور می‌باشد.

۲- این جرم مفید به حصول نتیجه، یعنی جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی، یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور نمی‌باشد و صرف اقدام در این راستا جهت تحقق عنوان مجرمانه کفایت می‌کند.

۳- اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع راه هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» همچنین اصل یکصد و چهل و سوم قانون

اساسی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی را به عهده ارتش واگذار نموده است. ماده (۷) قانون ارتش. آمادگی و مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور را از مأموریت ها و وظایف ارتش دانسته است.

۴- منظور از حاکمیت در حقوق اساسی، قدرت سیاسی دولت است که در دست حکومت می‌باشد و منظور از استقلال، صفتی است که به موجب آن دولتی تحت سلطه دولتی دیگر قرار نگرفته باشد.<sup>(۳)</sup>

۵- در حقوق بین الملل عمومی، قلمرو حاکمیت یک کشور شامل قلمرو زمینی، هوایی و دریایی می‌شود ضمن آن که منظور از قلمرو حاکمیت یک کشور، حوزه یا منطقه و یا محل اعمال قدرت حکومت آن کشور است.

۶ نوع و نحوه اقدام مرتکب مؤثر در مقام نیست؛ بلکه هر نوع فعالیت یا اقدامی که به نحوی از انحا برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور صورت گیرد مشمول مقررات ماده می‌شود.

ماده (۲۱):

«نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌گردند:

الف هر نظامی که افراد تحت فرماندهی خود یا پایگاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و تجهیزات و ساز و برگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظایر آنها را به دشمن تسلیم یا افشا نماید.

ب هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تبتانی کند.  
ج هر نظامی که برای دولت در حال جنگ با ایران یا برای گروه‌ها یا دستجات محارب و مفسد جمع‌آوری نیرو یا کمک نماید یا سایر افراد را به الحاق به دشمنان یا محاربان و مفسدان

منظور از حاکمیت در حقوق اساسی،

قدرت سیاسی دولت است که در دست

حکومت می‌باشد و منظور از

استقلال، صفتی است که به موجب آن

دولتی تحت سلطه دولتی دیگر قرار

نگرفته باشد

## اغوا و تشویق کند یا عملاً وسایل الحاق آنان را فراهم آورد.» شرح ماده:

۱. مقنن مقرر نموده چنانچه جرایم مندرج در بندهای "الف" و "ب" و "ج" به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، مجازات محارب و در غیر این صورت سه تا پانزده سال حبس دارد.

سوالی که در این مورد مطرح می شود این است که جهت اعمال مجازات محارب، منظور مرتکب از ارتکاب جرایم باید هم براندازی نظام باشد و هم همکاری با دشمن یا اینکه ارتکاب جرایم به منظور براندازی نظام و یا همکاری با دشمن کفایت می کند؟

در پاسخ به این سوال، دو نظر قابل ارائه می باشد:

### نظر اول:

با توجه به نص صریح ماده و به کاربردن عبارت "به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن" و استفاده از حرف جمع "و" منظور مرتکب باید براندازی نظام و همکاری با دشمن به صورت توأم باشد. بنابراین، تفسیر عبارت به نحوی جهت اعمال مجازات محارب یکی از دو منظور براندازی نظام و یا همکاری با دشمن کفایت می کند، به ضرر متهم بوده و با نص ماده مطابقت ندارد.

### نظر دوم:

مقنن در مقام بیان موضوع ارتکاب جرم به منظور براندازی نظام و یا همکاری با دشمن بوده و با توجه به اینکه در ماده (۱۷) صرف طراحی برنامه براندازی نظام با تشکیل جمعیت را مشمول مجازات محارب دانسته و براندازی مقید به همکاری با دشمن نشده و از طرفی، اقدام در جهت براندازی نظام چه با هدف همکاری با دشمن باشد و یا اینکه چنین هدفی را دنبال نکند، تفاوتی در ماهیت و نتیجه موضوع ندارد.

بنابراین، ضمن پذیرش مسامحه مقنن در تدوین عبارت "به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن" تفسیر منطقی ماده با در نظر گرفتن سنجش ماده با مفاد مواد سابق و لاحق و ملاحظه سیاق و فلسفه وضع ماده ایجاب می نماید که با تفسیر قضایی مراد مقنن را مشخص نماییم. به نظر نگارنده، قید "همکاری با دشمن" که در صدر ماده آمده زاید است؛ زیرا این خصوصیت به صراحت در بندهای "الف"، "ب" و "ج" ماده آمده و نیازی به ذکر در صدر ماده که موجب برداشت های متعدد قضایی می شود نبوده است.

به عبارت دیگر نص صریح، مدلول و منطوق عبارات بندهای "الف"، "ب" و "ج" حکایت از همکاری با دشمن دارد. بدین نحو که بند "الف" ناظر بر تسلیم مواضع، تأسیسات، تجهیزات و به دشمن بوده و بند "ب" دلالت بر تبانی با دشمن برای انجام مقاصد وی داشته و بالاخره بند "ج" حکایت از جمع آوری نیرو یا کمک برای دشمن یا تشویق به الحاق افراد به دشمن دارد.

نتیجه های که از این بحث حاصل می شود، این است که اگر ارتکاب

جرایم مذکور در بندهای "الف"، "ب" و "ج" ماده که فی نفسه حکایت از همکاری و تبانی با دشمن دارد به منظور براندازی نظام باشد مرتکب به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می شود.

۲. واژه "براندازی" در ماده (۱۷) تعریف شده و منظور از آن تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است.

۳. همان طوری که قبلاً ذکر شد، نوع و مصادیق همکاری با دشمن در بندهای سه گانه ماده بیان گردیده است.

۴. واژه دشمن در ماده (۲۵) همین قانون بدین شرح تعریف شده است: «منظور از دشمن عبارت است از: اشرا، گروه ها و دولت هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان بر ضد امنیت ملی است.»

عبارات "مقاصد دشمن، گروه ها و دستجات و مفسدان"، مفاهیم کلی و گسترده ای می باشند که تاب تفسیر موسع را دارند. ذکر عبارات کلی و دارای مفاهیم و مصادیق متعدد و متنوع و قابل تفسیر در متن مواد قانون جزا مطلوب و مناسب نمی باشد؛ زیرا اصول مربوط به تضمین حقوق متهم در دادرسی کیفری ایجاب می کند که در تدوین و نگارش قانون جزا، اصطلاحات کیفری شفافه روشن، جزئی، تعریف شده، دقیق و مضیق و محدود به معانی و مفاهیم خاص ذکر شود.

۵. واژه های "محاربه و افساد" در باب هفتم قانون مجازات اسلامی (مواد ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲) و مواد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در کنار هم و به صورت مترادف آمده است.

۶. در ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱، علاوه بر قیود «به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن» قید «با علم به تأثیر آن در براندازی» نیز وجود داشت که در قانون جدید قید اخیر حذف شده است.

**ماده (۲۲): «هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب محسوب می شود.»**

### شرح ماده:

۱. در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱، اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در بند "۵" ماده (۱۱) پیش بینی شده بود که حسب مورد مجازات محارب و یا حبس برای مرتکب در نظر گرفته شده بود؛ اما در قانون جدید اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در یک ماده مستقل و با یک مجازات، یعنی مجازات محارب پیش بینی شده است.

۲. رکن ماده، بزه اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران است. در ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی، از عبارت قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی استفاده شده است. ماده مزبور اشعار می دارد: «هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه

کند، مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضا و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.»

۳. علاوه بر قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، عنوان "محاربه" یا در "حکم محاربه" یا "افساد فی الارض" یا "در حکم افساد فی الارض"، در قوانین جزایی دیگر نیز پیش بینی شده است. در این مورد می توان به مواد (۵) و (۶) قانون تشدید مجازات مرتکبان و گران فروشان مصوب سال ۱۳۶۷، ماده (۱) قانون مجازات عبور دهندگان از مرز مصوب سال ۱۳۶۷، ماده (۴) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷، مواد (۱۱، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب سال ۱۳۶۸ و مواد (۱) و (۲) قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ اشاره نمود.

۴. حد محاربه و افساد فی الارض در ماده (۱۹۰) قانون مجازات اسلامی، یکی از چهار نوع قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ و نفی بلد پیش بینی شده است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه شماره ۷/۹۸۰۰-۷/۶/۱۸۰ اظهار نموده که طبق بند ۴ ماده (۱۹۰) قانون مجازات اسلامی، یکی از مجازات های محاربه "نفی بلد" است که با عنایت به شرایط نفی بلد، صدور حکم به "تبعید در زندان" یا "حبس در تبعید" خلاف قانون شناخته نشده است. همچنین مرجع مزبور طی نظریه شماره ۷/۴۲۹ مورخ ۸۰/۱/۲۱ اعلام نموده: «پس از صدور حکم تبعید و یا نفی بلد، ندامت و پشیمانی محکوم علیه تأثیری نداشته و باید محکوم، محکومیت خویش را بر مبنای حکم حاکم بپذیرد؛ ولی پس از دستگیری و قبل از صدور حکم، بر اساس مدلول ماده (۱۹۴) قانون مجازات اسلامی می باید عمل شود.»

**ماده (۲۳): «هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار یا تسهیل یا با علم به فراری بودن، آنان را مخفی نماید، در صورتی که به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد. به مجازات محارب و الا به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود.»**  
**شرح ماده:**

۱. عنصر مادی بزه اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی یا تسهیل موجبات فرار یا مخفی نمودن فراریان می باشد.  
۲. اجبار یا تحریک دیگران به ارتکاب جرم و یا تسهیل وقوع جرم اصولاً از مصادیق معاونت در جرم می باشد. که در این ماده به عنوان جرم

مستقل محسوب شده اند. تحریک کننده یا اجبار کننده فاعل معنوی بزه تلقی می شود.

۳. هر چند که عبارت «اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند» با توجه به اطلاق و کلیت عبارت، در ظاهر امر شامل کلیه اشخاصی می شود که در نیروهای مسلح خدمتی را انجام می دهند؛ اما با توجه به اصطلاحات "فرار"، "تسلیم" و "عدم اجرای وظایف نظامی" که بعد از کلمات "اجبار" یا "تحریک" آمده، منظور از اشخاص مذکور کسانی هستند که با توجه به رابطه خدمتی آنان، ارتکاب جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی که در ماده تصریح شده است از سوی آنان متصور باشد؛ مانند کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند و طبق قوانین استخدای نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند. (موضوع بند "ح" ماده ۱)

۴. اجبار به معنای واداشتن کسی است به فعل یا ترک فعل معین، به طوری که قصد فعل از وی سلب شود و به طریق اولی قصد نتیجه فعل هم از وی صادر نمی گردد. اجبار، اشد از اکراه و اضطرار است.<sup>(۴)</sup> اجبار ممکن است به دو صورت ماده و معنوی صورت گیرد. اجبار مادی در اثر وسایل مادی و فیزیکی و طبیعی صورت می گیرد؛ اما اجبار معنوی از طریق کیفیات معرفت النفسی و روحی از قبیل اغوا و اقتناع توأم با تهدید صورت می گیرد.

۵. اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی یا تسهیل موجبات فرار یا مخفی نمودن فراریان. در صورتی که به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد مرتکب به مجازات محارب و الا به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود.

۶. تحریک باید آن چنان میل و رغبتی در تحریک شونده به وجود آورد که وی را مصمم به ارتکاب جرم نماید و الا اگر افراد از قبل تصمیم به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی داشته باشند و عمل تحریک کننده تأثیری در تحقق جرم نداشته باشد مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

۷. عنصر معنوی بزه از دو جزء تشکیل شده است:  
الف) سوءنیت عام (قصد اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی یا تسهیل موجبات فرار یا مخفی نمودن فراریان)  
ب) سوءنیت خاص (قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن)

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۱. آیات شریفه ۳۹، سوره مبارکه مائده و ۱۶ و ۱۷ سوره مبارکه نساء.
۲. مواد (۸۱، ۷۲، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۴، ۲۰۰) قانون مجازات اسلامی.
۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق.
۴. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول.

